

توانمندسازی و فقرزدایی از زنان مطلقه و همسر فوت شده

در شهرستان سلسله

حسین راغفر^۱، مهدی سلیمانی^{۲*}

چکیده

زنان یکی از گروه‌های هدف در برنامه‌های فقرزدایی‌اند؛ به‌ویژه زنان مطلقه و همسر فوت شده که به‌واسطه شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه با مسئله فقر بیشتر درگیرند. این پژوهش درصدد سنجش عوامل مؤثر بر فقرزدایی و توانمندسازی زنان مطلقه و بیوه شهرستان سلسله (به‌منزله یکی از شهرستان‌های محروم) است. جامعه آماری تحقیق، زنان مطلقه و همسر فوت شده شهرستان سلسله است. حجم نمونه به روش خوشه‌ای و تصادفی ۱۲۰ نفر و از ابزار پرسش‌نامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها نیز از آمارهای رواسپیرمن، تاوپی کندال و رگرسیون گام‌به‌گام و همچنین در قالب مدل‌سازی معادلات ساختاری، از نرم‌افزار آموس استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد بین میزان وام‌های کم‌بهره، طرح‌های خوداشتغالی، آموزش عمومی و مهارت‌آموزی و فقرزدایی زنان رابطه معناداری وجود دارد. نقش کمک‌های غیرنقدی کمیته امداد امام خمینی (ره) بر فقرزدایی زنان تأیید نشد. یافته‌ها، در صورت تأکید بر وام‌های کم‌بهره و مشارکت دادن زنان در طرح‌های خوداشتغالی و مهارت‌آموزی و آموزش عمومی، از کارکردی مثبت بر عمل‌کرد این سازمان در فقرزدایی زنان حکایت دارد.

کلیدواژگان

آموزش عمومی، زنان مطلقه و همسر فوت شده، طرح خوداشتغالی، کمیته امداد، مهارت‌آموزی.

raghhg@alzahra.ac.ir

۱. دانشیار دانشکده اقتصاد دانشگاه الزهرا

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران

mahdi.soleymani.p@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۲۴

بیان مسئله

فقر یکی از واقعیت‌های تلخ زندگی اجتماعی است که فراگرد توسعه و تعالی اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و مفهومی به نسبت پیچیده دارد. این مفهوم، در حالت کلی، بر ناتوانی در دستیابی به حداقل استاندارد زندگی و انواع گوناگون محرومیت‌های اقتصادی، اجتماعی و روانی، در میان افراد فاقد مالکیت، تسلط و دسترسی به منافع کافی اشاره دارد. از این رو، برای بررسی ابعاد گوناگون آن، شاخص‌های متنوعی مورد توجه قرار می‌گیرند [۴۵]. رویکرد کاهش فقر از نیمه دوم قرن گذشته و در واکنش به وضعیت دشوار ادراکی ناشی از پیچیدگی‌های توسعه پدید آمده است [۱۲]، اما مسئله بسیار مهم ماهیت رویکرد پدیدارشناسانه جامعه به فقر است؛ یعنی مهم این است که جامعه فقر را چگونه ارزیابی، تعریف و تحلیل می‌کند، زیرا دیدگاه‌های متفاوتی درباره نحوه ابتلا به فقر وجود دارد [۲۴، ص ۱۸۷]. پیچیدگی این مفهوم از آن جهت است که در تحلیل فقر، مجموعه‌ای از عوامل و متغیرهای متنوع تأثیرگذارند [۳۱]. از سویی، کثرت و تعدد این عوامل و از سوی دیگر وجود ارتباطات متقابل میان آن‌ها به شکل‌گیری فرایندی چندبعدی با عنوان چرخه فقر منجر می‌شود [۱۸]؛ پدیده‌ای که در نتیجه وقوع محرومیت‌های چندگانه [۳۷] افرادی رخ می‌دهد که برای فراهم کردن یا حفظ سطحی از زندگی فردی یا جمعی نمی‌توانند به منابع کافی دسترسی یا برای رفع نیازهای خود بر آن‌ها مالکیت و کنترل داشته باشند [۲۹]. این نیازها ممکن است به تأمین منابع مادی مانند غذا، سرپناه، آب و سیستم دفع فاضلاب یا منابع اجتماعی مانند آموزش، دسترسی به اطلاعات یا مراقبت‌های بهداشتی معطوف باشند [۳۹]. فقدان اراده‌ای ملی برخاسته از درون دولت، ملت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی موجب شده که نحوه برخورد با این پدیده، به دلیل نبود اجماع در میان صاحب‌نظران از فقر و به دنبال آن وجود توصیه‌ها و رهنمودهای متفاوت و بعضاً متعارض و اتخاذ روش‌های ناکارآمد در رفع فقر، پیچیده‌تر و حل آن طولانی‌تر شود [۳].

سال‌های اخیر، به دلیل گسترش اجزای سیاست‌های اقتصادی واگذاری گسترده‌تر به بخش خصوصی، شاهد رشد فقر و نابرابری در بیشتر کشورهای جهان بوده‌ایم. به همین دلیل، این مسئله یک بار دیگر در کانون توجه جوامع بشری و به ویژه کشورهای در حال توسعه قرار گرفت [۱۰]. یکی از چالش‌های جدی بر سر راه ساختار اجتماعی-سیاسی دولت‌ها تعریف فقر است. همیشه بر سر این مسئله که «فقر چیست» کشمکش وجود داشته است. غیر از مفهوم فقر، شناخت علل فقر همواره مورد توجه بوده و پژوهش‌های بسیاری در این خصوص انجام گرفته است. اما این پژوهش‌ها به دلیل تعدد و تنوع روش‌ها و نتایج در حل مسئله فقر چندان موفق نبوده‌اند. در کشور ما، به فقرزدایی و توانمندسازی شهروندان توجه درخور و مناسبی صورت نگرفته است، از این رو، درصد درخور توجهی از شهروندان بینش و بصیرت عمیق، دانش و معرفت مورد نیاز و توانایی و مهارت لازم برای مشارکت در امور جامعه و نیز تأثیرگذاری در توسعه را دارند.

در فقرزدایی، زنان یکی از گروه‌های هدف هستند. توانمندسازی شهروندان زن یعنی اینکه آن‌ها باید به سطحی از توسعه فردی دست یابند که به آن‌ها امکان انتخاب براساس خواسته‌های خود را بدهد [۱۴]. یک گروه از زنان، که با مسئله فقر به واسطه شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه ما درگیرند، زنان مطلقه یا همسر فوت‌شده‌اند. در ایران، نسبت به کشورهای دیگر، طلاق و تنهایی و مسئولیت زن حاکی از آسیب‌زایی شدیدتر وقوع این رویداد در فرهنگ ایران است. همچنین، مرگ همسر، زندگی جدا از همسر، مورد بی‌توجهی قرار گرفتن، مسئله‌داشتن با خانواده همسر، در معرض خشونت فیزیکی قرار گرفتن و درنهایت فقر به‌منزله استرس‌های شدید امور زندگی زنان مطلقه و همسر فوت‌شده محسوب می‌شود [۷؛ ۱۳؛ ۱۷؛ ۳۰]. متأسفانه در جامعه ما شمار جدایی زن و شوهرها رو به افزایش است [۲؛ ۲۵؛ ۲۸]. در خانوارهای ایرانی، معمولاً مردان سرپرست خانواده محسوب می‌شوند، اما تحت شرایطی چنین مسئولیتی برعهده زنان گماشته می‌شود. طبق تعریف سازمان بهزیستی، زنان سرپرست خانواده شامل زنان بیوه، زنان مطلقه، همسران مردان معتاد، همسران مردان زندانی، همسران مردان بیکار، همسران مردان مهاجر، همسران مردانی که در نظام وظیفه مشغول به خدمت‌اند، زنان خودسرپرست، دختران خودسرپرست، همسران مردان از کارافتاده و معلول و زنان سالمند هستند [۴].

در ایران، ۸۳ درصد خانواده‌های زن سرپرست به علت فوت همسر و ۷ درصد به علت طلاق و جدایی عهده‌دار مسئولیت خانواده‌اند [۱۵]. این زنان به علت فقدان فیزیکی، روانی و اقتصادی همسر در اشکال مختلف و به علت نبود پشتوانه مالی و همچنین کمبود سرمایه‌های اجتماعی برای یافتن راه حل مناسب برای حل مشکلات، در معرض آسیب‌های جدی رفتاری، اجتماعی و اخلاقی‌اند. مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهد زندگی مردان یک سال پس از طلاق ۲۴ درصد بهبود می‌یابد. این درحالی است که برای زنان مطلقه ۷۳ درصد افت سطح زندگی روی می‌دهد. لازم است تدابیری اتخاذ شود تا مشکلات این‌گونه زنان به‌طور شایسته‌ای حل شود. اما آنچه در طول این سال‌ها از نگاه‌ها دور مانده همین مشکلات است. شناخت آن‌ها و ارائه راهکارهای مناسب یکی از وظایف عمده دولت، نهادها و سازمان‌های خدمات اجتماعی هر کشور است. در ایران، بیشترین اقدامات حمایتی دولت به منظور گسترش عدالت اجتماعی برای حمایت از اقشار محروم و آسیب‌پذیر جامعه، به‌ویژه زنان سرپرست خانوار، از طریق سازمان‌های کمیته امداد امام خمینی (ره) و بهزیستی انجام می‌پذیرد و دولت و متولیان امر همواره درصدد برآمده‌اند با تدوین مجموعه‌ای از سیاست‌های اقتصادی و بهره‌گیری از مکانیسم‌های اقتصادی این اهداف و آرمان‌ها را به فعلیت درآورند. در این بخش، مجموعه‌ای از خدمات و فعالیت‌های غیربیمه‌ای و بیمه‌ای ارائه می‌شود که هدف آن حمایت از خانوارها و افرادی است که به دلایل مختلف فاقد توانایی‌های لازم برای اداره زندگی شخصی، خانوادگی و اجتماعی خود هستند. فقرزدایی زنان مطلقه و همسر فوت‌شده نه تنها به دلایل انسان‌دوستانه و عدالت، بلکه به دلیل

اهداف توسعه‌ای و نقشی که در ارتقای بهره‌وری و رشد اقتصادی جوامع دارد و نقش زنان به‌عنوان عاملان توسعه، اهمیت زیادی دارد. در این پژوهش، سعی بر آن است تا رابطه مجموعه اقدامات کمیته امداد امام خمینی (ره) همچون عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی در ارتباط با فقرزدایی زنان مطلقه و همسرفوت‌شده در شهرستان سلسله بررسی و تحلیل شود. به عبارت دیگر، چه ارتباطی بین مجموعه عمل‌کردهای کمیته امداد امام خمینی (عوامل اقتصادی، فرهنگی و آموزشی) با فقرزدایی زنان مطلقه و همسرفوت‌شده وجود دارد؟

پیشینه تحقیق

ویکرما و همکاران (۲۰۰۶) با مطالعه شرایط مالی و سلامت فیزیکی زنان مطلقه نشان دادند که آن‌ها نسبت به زنان متأهل سطوح بالاتری از فشار مالی شدید و احساس عدم سلامت جسمی و روحی را تجربه می‌کنند. بومن (۲۰۰۷) نیز در تحقیقات خود نشان داد که درصد بالایی از قشر کم‌درآمد را مطلقه‌ها تشکیل می‌دهند. دانینگ و همکاران (۲۰۰۶) در تحقیق خود، که نوعی تحلیل کیفیت زندگی بود، به این نتیجه رسیدند که مطلقه‌بودن و میان‌سال‌بودن از عوامل مؤثر بر پایین بودن سطح کیفیت زندگی هستند [۴۶].

لورنز و همکاران (۲۰۰۶) با مطالعه بر تأثیر کوتاه‌مدت و بلندمدت طلاق بر زنان به این نتیجه رسیدند که زنان مطلقه، نسبت به زنان متأهل، به‌طور معناداری در سال‌های اول پس از طلاق سطوح بالاتری از فشار و پریشانی روانی و در یک دهه بعد، سطوح بالاتری از بیماری را از خود بروز می‌دهند و نیز این زنان سطوح بالاتری از حوادث پراسترس زندگی را، که در نهایت به افسردگی منجر می‌شود، تجربه می‌کنند. نصیری (۱۳۸۶) به این نتیجه رسید که رابطه مثبت و معناداری میان فقر مسکن و توزیع جغرافیایی زنان مطلقه‌دار وجود دارد [۴۲].

تاتینا بلداجی و دیگران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان «کیفیت زندگی زنان سرپرست خانواده» به بررسی مقایسه‌ای کیفیت زندگی زنان سرپرست شاغل خدماتی و زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر تهران پرداختند. این مطالعه در چارچوب مطالعه علی مقایسه‌ای انجام یافت. براساس اطلاعات استخراج‌شده از آن تحقیق، مشخص شد که هر دو گروه کیفیت زندگی متوسطی داشته‌اند، اما کیفیت زندگی زنان سرپرست خانوار شاغل نسبت به زنان سرپرست تحت پوشش وضعیت بهتری دارد. همچنین اختلاف معناداری بین سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی زنان شاغل و سرپرست خانواده مشاهده شد و در بعد سلامت محیطی دو گروه زنان سرپرست اختلاف معناداری مشاهده نشد [۵].

کاظمی‌پور (۱۳۸۸) با تحلیلی بر فرصت‌های اشتغال زنان سرپرست خانواده به این نتیجه رسید که ساختار شغلی زنان سرپرست خانوار به میزان زیادی مشابه ساختار شغلی کل زنان در جامعه است؛ با این تفاوت که بسیاری از زنان سرپرست خانوار در سنین سالخوردگی و پس از

محول شدن سرپرستی خانوار به آن‌ها ناگزیر از انجام دادن فعالیت‌های اقتصادی‌اند و به دلیل ناآشنایی با قوانین و مقررات اجتماعی، نداشتن مهارت‌های شغلی، به مشاغل خدماتی و فاقد هرگونه امنیت شغلی و اجتماعی جذب می‌شوند [۲۰].

بخش درخور توجهی از نتایج نشان می‌دهد که هرچند فقر اکثر افراد را گرفتار خود می‌کند، زنان مطلقه بیش از دیگران در معرض فقر و تبعیض جنسیتی قرار دارند؛ زیرا آنان قابلیت‌ها و امکانات چندانی برای توانمندی و کاهش فقر ندارند [۱۶؛ ۳۲].

مبانی نظری

وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار و کودکانشان مورد توجه و بررسی جامعه‌شناسان قرار گرفته است. در واقع، گسترش این شکل از خانواده در همه کشورهای جهان، چه صنعتی و چه جهان سوم، ضرورت این بررسی را ایجاد کرده است. ریشه و منشأ ایجاد خانواده‌های تک‌سرپرست در اواسط قرن بیستم عمدتاً فوت همسر بوده است. این وضعیت در اواخر قرن بیستم دچار تغییر و دگرگونی شد. در سال‌های دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ دلیل عمده ایجاد خانواده تک‌سرپرست، طلاق والدین از یکدیگر تعیین شد [۱۱، ص ۱۶۴]. پس از جنگ جهانی دوم و به‌ویژه پس از انقلاب صنعتی، زنان از جایگاه و موقعیت متفاوت اجتماعی نسبت به گذشته برخوردار شدند و وابستگی آنان به مردان گاه بر اثر کسب درآمد مستقل از لحاظ تأمین معیشت کاهش یافت. این‌گونه تحولات به افزایش سن ازدواج زنان منجر شد. بدین ترتیب، گروهی از دختران با عنوان دختران خودسرپرست شکل گرفتند.

به‌طور کلی، در مطالعه وضعیت اشتغال زنان، به‌ویژه زنان سرپرست خانوار، می‌توان از تئوری‌های جامعه‌شناختی سود جست. برخی از این تئوری‌ها با دیدی فمینیستی به بررسی موضوع می‌پردازند. این دسته از تئوری‌ها وضعیت اشتغال زنان، به‌خصوص زنان سرپرست خانوار را، با در نظر گرفتن نابرابری شغلی بین زنان و مردان، تبیین می‌کنند. در این زمینه، می‌توان به نظریه‌های طرفداران حقوق اجتماعی زنان، تئوری جداسازی بازار کار و... اشاره کرد. گروه دیگری از نظریه‌های جامعه‌شناسی بر ترکیبی از عوامل اجتماعی- فرهنگی و توانمندسازی زنان تأکید می‌کنند.

نظریه ساختی- کارکردی

براساس این نظریه، خانواده‌هایی که زنان سرپرست خانواده هستند، اساساً با شکل طبیعی و سنتی خانواده‌ها در تضادند و در واقع پیدایش این‌گونه خانواده‌ها نوعی انحراف محسوب می‌شود. در این خانواده‌ها، به علت غیبت پدر و مادر، زندگی زوجی تاحدی کاهش می‌یابد.

اقتدارناپذیری پدر برای ساماندهی زندگی خانواده با بحران اقتصادی و اجتماعی روبه‌رو می‌شود؛ بحرانی که با ورود مادر به بازار کار، به جای انجام‌دادن وظایف سنتی خانه‌داری، به وجود می‌آید. براساس این نظریه، طبقه زیرین از افراد منزوی تشکیل شده است که در محلات غیرسازمان‌یافته ساکن‌اند. در این محلات، به علت حضور خانواده‌های زن‌سرپرست، میزان بالای جنایت، معاملات مواد مخدر، افت تحصیلی، تولدهای نامشروع و دریافت کمک‌های دولتی شایع است [۲۱]. کارکردگرایی نظری‌های کاملاً محافظه‌کارانه محسوب می‌شود. این نظریه، در تحلیل آسیب‌های اجتماعی، ضمن پذیرش وضع موجود یا هنجارهای حاکم، دشواری‌ها و آسیب‌های اجتماعی را ناشی از مشکلات افراد قلمداد می‌کند. به همین دلیل، مثلاً در تحلیلی از تأثیر فقر بر رشد و شیوع بیشتر آسیب‌های اجتماعی، مشکل را عمدتاً متوجه فقر فرهنگی می‌داند. فقر فرهنگی به معنای مجموعه عواملی همچون بی‌سوادی یا کم‌سوادی والدین، تمایل‌نداشتن به استفاده از امکانات متوسط زندگی شهری و... است. بنابراین، به وضعیت اجتماعی در محله‌های فقیرنشین و توزیع ناعادلانه امکانات در شهر و روستا توجه چندانی نمی‌کنند [۲۶].

نظریه زنانه‌شدن فقر یا آسیب‌پذیری زنان

طرفداران این نظریه معتقدند که خانواده‌های زن‌سرپرست در همه کشورهای جهان گسترش یافته‌اند و بخش عمده‌ای از خانوارهای زن‌سرپرستی در گروه جمعیت کم‌درآمد قرار می‌گیرند، که این امر ناشی از فرصت‌های شغلی نابرابر ایجادشده برای زنان و استفاده ابزاری از آنان است. این مسئله حتی در کشورهایی که پیشرفته‌ترین قوانین را به نفع زنان داشته‌اند دیده شده است. در این کشورها، به‌رغم کمک‌های دولتی به این زنان، فرایند فقیرشدن آنان همچنان ادامه دارد. از طرف دیگر، کودکان در این خانواده‌ها امکانات رفاهی و عاطفی ناچیزی دارند؛ یعنی اولاً به دلیل فقیربودن، حضور کمتری در مدارس دارند و میزان افت تحصیلی آنان بیش از کودکان خانواده‌های دووالدی است؛ ثانیاً به دلیل کم‌سوادی مادران، کمتر به انجام تکلیف در خانه کمک و تشویق می‌شوند. همچنین، میزان بزهکاری در میان نوجوانان این خانواده‌ها بیشتر از سایر نوجوانان است. از دیگر مشخصات زنان خانواده‌های زن‌سرپرست دسترسی‌نداشتن به مشاغل بامنزلت است. به عبارت دیگر، این زنان سرپرست خانوار یا اغلب بیکارند یا مشاغل حاشیه‌ای، نیمه‌وقت، غیررسمی و کم‌درآمد دارند. مشکل دیگری که بر میزان آسیب‌پذیری این زنان می‌افزاید، حتی اگر در مشاغل بامنزلت مشغول به کار باشند، مسئله تنظیم وقت برای انجام‌دادن کار بیرون از خانه است. این مشکل را صاحب‌نظران از دیدگاه اصطلاحاً فقر زمانی بررسی کرده‌اند؛ یعنی زمانی که به‌طور تمام‌وقت و در شبکه رسمی بازار کار می‌کنند، برای انجام‌دادن وظایف خانگی، رسیدگی به کودکان و رسیدگی به خودشان وقت کافی ندارند. فقر

زمان هنگامی که با فقر مادی همراه شود این گروه را آسیب‌پذیر می‌کند [۶، ص ۱۲۳]. شرایط حاکم بر زندگی خانواده‌هایی که با سرپرستی زنان اداره می‌شوند عبارت‌اند از:

- دسترسی نداشتن به فرصت‌های شغلی برابر با مردان؛

- سطوح پایین‌تر سواد بین زنان و فرزندان؛

- دستمزدهای کمتر؛

- درصد بالای افت تحصیلی و بزهکاری کودکان و نوجوانان؛

- مسئله فقر زمانی برای زنان شاغل تمام‌وقت [۲۷].

صاحبان این نظریه معتقدند که فقر و آسیب‌های اجتماعی مقوله‌ای طبقاتی است نه جنسیتی. به عبارت دیگر، همه زنان یا همه زنان سرپرست خانوار در معرض فقر و آسیب‌پذیری نیستند، بلکه آن گروهی که از نظر طبقاتی در رده‌های پایین اجتماع قرار می‌گیرند، بیشتر در معرض آسیب‌اند. به نظر طرفداران این نظریه، مردم به دلیل سن، جنس یا خصیصه‌های نژادی و قومی‌شان فقیر نمی‌شوند، بلکه به دلیل قرار گرفتن در طبقه‌های خاص است که فقیر به‌شمار می‌آیند. زنان در تحولات دنیای صنعتی بیشتر در معرض قرار گرفتن در طبقه‌های خاص‌اند. طلاق و فوت همسر بر اثر سوانح، رایج‌ترین عامل در سوق زنان به سمت این طبقات خاص است.

مهم‌ترین شاخص‌های تعیین طبقه عبارت است از سه شاخص درآمد، تحصیل و شغل. پس همه زنان سرپرست خانوار آسیب‌پذیر و فقیر نیستند، بلکه آن گروهی که درآمد کمتر، تحصیل پایین‌تر و شغل کم‌منزلت‌تر دارند و در طبقه پایین اجتماع قرار می‌گیرند، آسیب‌پذیرترند. به عقیده این گروه، با بزرگ کردن مسئله آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانواده، زنان در مقابل مردان و جوانان در مقابل پیران قرار می‌گیرند؛ درحالی‌که فقر زن و مرد و پسر و جوان نمی‌شناسد. درواقع، آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانواده و همه فقرای دیگر به دلیل فرایند سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مشترکی است که همگی آن‌ها را از دسترسی به شرایط مناسب حیات محروم می‌کند. این شرایط خانواده‌ها را از هم می‌گسلد و تشکیل خانواده را برای فقرا غیرممکن می‌کند. به عبارت دیگر، زنانه‌شدن فقر بخشی از واقعیت بزرگ‌تر و بااهمیت‌تر است؛ یعنی فرایندی که نظم نوین جهانی ایجاد کرده است تا سطح دستمزد نهایی و سطح زندگی طبقه کارگر کاهش یابد، ارزش ذخیره کار گسترش یابد، قطبی‌شدن گروه‌های زنان تشدید شود و شرایط مادی ضروری برای تداوم و حیات طبقه متوسط، حتی طبقه متوسط رو به بالا، تحلیل رود [۴]. کاهش کمک‌های دولتی مثل استفاده از مهدکودک‌های مجانی، امکانات بهداشتی و خدمات اجتماعی، که قبلاً وسیع‌تر در اختیار خانواده‌های زن سرپرست قرار می‌گرفت، بر میزان آسیب‌پذیری آنان افزوده است. این دولت‌مردان برنامه‌های تأمین اجتماعی را محدود کرده‌اند با این توجیه که اجرای چنین برنامه‌هایی از میزان امنیت و رشد اقتصادی کاسته است. به‌هرحال، طرفداران نظریه طبقاتی اولاً آسیب‌پذیری و فقر زنان سرپرست خانوار را پدیده‌ای عمومی

- نمی‌دانند، ثانیاً علت اصلی آن را به نظام اقتصادی نابرابر، یعنی سرمایه‌داری، نسبت می‌دهند [۴].
- با توجه به پیچیدگی و چندوجه بودن موضوع پژوهش، از چندین نظریه برای به دست آوردن نتیجه از فرضیه‌ها استفاده شد. با توجه به دیدگاه‌های بررسی شده به منظور تحقق اهداف و جواب‌گویی به پرسش‌های پژوهش، فرضیه‌های ذیل از ادبیات پژوهش نتیجه شده است:
- به نظر می‌رسد بین آموزش عمومی با فقرزدایی زنان مطلقه و همسرفوت‌شده رابطه معناداری وجود دارد؛
 - به نظر می‌رسد بین طرح خوداشتغالی با فقرزدایی زنان مطلقه و همسرفوت‌شده رابطه معناداری وجود دارد؛
 - به نظر می‌رسد بین آموزش مهارت با فقرزدایی زنان مطلقه و همسرفوت‌شده رابطه معناداری وجود دارد؛
 - به نظر می‌رسد بین کمک‌های غیرنقدی با فقرزدایی زنان مطلقه و همسرفوت‌شده رابطه معناداری وجود دارد؛
 - به نظر می‌رسد بین اعطای وام کم‌بهره با فقرزدایی زنان مطلقه و همسرفوت‌شده رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق

از بین روش‌های تعریف‌شده از طرف صاحب‌نظران علوم اجتماعی، روش تحقیق حاضر را باید از نوع پیمایشی^۱ دانست. پژوهش حاضر از نوع مطالعات مقطعی، پهنانگر، توصیفی و کاربردی است که در سطح جامعه‌شناسی خرد انجام می‌شود و مراحل آن شامل مطالعه اکتشافی، تنظیم پرسش‌نامه، جمع‌آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل آماری داده‌هاست. محقق جهت اخذ و جمع‌آوری اطلاعات به‌روز به تهیه پرسش‌نامه اقدام کرده است؛ پرسش‌نامه‌ای که دربرگیرنده مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی تأثیرگذار بر فقر و کیفیت زندگی زنان مطلقه و همسرفوت‌شده شهرستان سلسله است. روایی پرسش‌نامه از طریق روش محتوایی- صوری از سوی تعدادی از استادان رشته جامعه‌شناسی و تعدادی از متخصصان شاغل در کمیته امداد امام خمینی(ره) شهرستان الشتر تأیید شد. همچنین، برای روایی سازه از روش تحلیل عاملی تأییدی و برای پایایی پرسش‌نامه نیز از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. به ترتیب، ضرایب کرونباخ برای شاخص فقر، آموزش عمومی، مهارت‌آموزی، خوداشتغالی، وام کم‌بهره و کمک غیرنقدی برابر با ۰/۷۵، ۰/۷۰، ۰/۷۸، ۰/۸۱، ۰/۷۶ محاسبه شد که قابلیت اعتماد بالایی دارند.

جامعه آماری

تحقیق شامل کلیه زنان مطلقه و همسر فوت شده تحت پوشش کمیته امداد شهرستان سلسله در سال ۱۳۹۴-۱۳۹۵ بوده است. با توجه به وضعیت جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و مشخص شدن اینکه در کدام منطقه جغرافیایی از شهر قرار گرفته‌اند، در نمونه‌گیری از روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای و همچنین نمونه‌گیری تصادفی ساده استفاده شده است. در نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، از بین مناطق مختلف شهر سلسله به صورت تصادفی محله‌هایی انتخاب شده است و در مراحل بعدی به شکل تصادفی محلات و نقاطی از شهر انتخاب شده است. در کل، تعداد ۱۲۰ پرسش‌نامه جمع‌آوری شد. حجم نمونه براساس فرمول کوکران و با در نظر گرفتن خطای ۰/۰۵ درصد و همچنین براساس شرایط و امکانات پژوهشگر ۱۲۰ نفر محاسبه شد. در نهایت، تعداد ۱۱۰ پرسش‌نامه بررسی شد. متغیرهای سن و درآمد در سطح سنجش فاصله‌ای سنجیده شد. سطح تحصیلات ترتیبی و ۶ سطح از ابتدایی تا کارشناسی ارشد و بالاتر را شامل می‌شد. سایر متغیرها به کمک طیف‌های که به شیوه لیکرت طراحی شد اندازه‌گیری شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و ارائه نتایج از نرم‌افزار SPSS و همچنین نرم‌افزار آموس استفاده شد.

تعریف متغیرها

بررسی وضعیت فقر در هر جامعه و آگاهی از آن، نخستین قدم در برنامه‌ریزی برای مبارزه با فقر و محرومیت است. سنجش فقر به درکی از روند تحولات فقر منجر می‌شود و در طول زمان، تصویری منسجم از فقر ارائه می‌دهد [۸]. فقر پدیده‌ای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است که از نبود حداقل‌های نیاز انسانی یا ناتوانی در تأمین آن ناشی می‌شود. فقیر کسی است که قابلیت و توانایی کافی برای تأمین نیازهای اساسی زندگی را ندارد [۹، ص ۳۹۰]. برای سنجش این شاخص، ۸ گویه براساس طیف لیکرت طراحی شده بود. دامنه نمره‌ها ۱ تا ۵ بود که در آن ۱ بیانگر عدم وجود فقر و ۵ نمایانگر وجود فقر در آزمودنی‌ها بود. گویه‌ها دربرگیرنده میزان هزینه‌های عمده خانواده، وضعیت تملک مسکن و وسیله نقلیه، وضعیت رفاه و بهداشت، اوقات فراغت، اشتغال و میزان احساس ذهنی فقر در آزمودنی‌ها بود.

متغیرهای مستقل تحقیق شامل آموزش عمومی، مهارت‌آموزی، خوداشتغالی، وام‌های کم‌بهره و کمک‌های غیرنقدی کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان سلسله بود. این متغیرها شامل ۱۶ گویه در قالب مقیاس پنج‌گزینه‌ای طیف لیکرت بر پیوستار کاملاً مخالف تا کاملاً موافق استفاده شدند.

یافته‌های تحقیق

در مجموع، ۱۱۰ زن مطلقه و همسر فوت شده تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) به طور تصادفی جهت مطالعه و بررسی فقرزدایی در شهرستان سلسله بررسی شدند. آزمودنی‌ها شامل ۱/۸۱ درصد همسر فوت شده و ۳۸/۱۸ درصد زنان مطلقه بودند. حدود ۷/۵ درصد از پاسخ‌گویان بین ۲۰-۲۵ سال، ۱۴/۵ درصد بین ۲۵-۳۰ سال، ۵۸/۵ درصد بین ۳۰-۴۰ سال، ۱۵ درصد بین ۴۰-۵۰ سال و ۴/۵ درصد بالاتر از ۵۰ ساله بودند. وضعیت تحصیل آزمودنی‌ها به ترتیب عبارت بودند از: ۱۰ درصد بی‌سواد، ۱۶/۵ درصد ابتدایی، ۱۱/۵ درصد راهنمایی، ۵۲/۵ درصد متوسطه و ۹/۵ درصد تحصیلات آکادمیک. وضعیت درآمد ماهیانه زنان تحت پوشش، به ترتیب ۶/۵ درصد بین ۱۰۰-۲۰۰ هزار تومان، ۴۸ درصد بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان، ۳۷/۵ درصد بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان، ۳/۵ درصد بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار تومان، ۴ درصد بین ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان و ۰/۵ درصد آزمودنی‌ها بین ۷۰۰ تا ۹۰۰ هزار تومان بود. در ارتباط با وضعیت تملک وسیله نقلیه و منزل، فقط ۶/۵ درصد صاحب وسیله نقلیه و ۸/۵ درصد نیز مالکیت منزل داشتند. حدود ۸/۵ درصد آزمودنی‌ها کیفیت دسترسی به خدمات و امکانات رفاهی را بالا، ۷/۵ درصد متوسط، ۷۳ درصد پایین و ۱۱ درصد بسیار پایین گزارش کردند. بیشترین میزان گذراندن اوقات فراغت بین آزمودنی‌ها با ۴۵ درصد مربوط به تماشای تلویزیون و کمترین میزان مربوط به مطالعه کتاب و مجلات به میزان ۱ درصد بود. در نهایت، میزان احساس فقر بین آزمودنی‌ها به ترتیب ۴۸/۵ درصد بسیار بالا، ۳۳ درصد بالا، ۷/۵ درصد متوسط، ۶/۵ درصد پایین، ۴/۵ درصد بسیار پایین اعلام شد.

بررسی فرضیه‌های تحقیق

جدول ۱. نتایج آزمون اسپیرمن و تاووبی کندال برای متغیرهای تحقیق

متغیرها	مهارت آموزی	آموزش عمومی	خوداشتغالی	وام کم بهره	کمک غیرنقدی
همبستگی	همبستگی	همبستگی	همبستگی	همبستگی	همبستگی
رواسپیرم ۰/۳۴	رواسپیرم ۰/۱۸	رواسپیرم ۰/۲۸	رواسپیرم ۰/۴۰	رواسپیرم ۰/۳۱	رواسپیرم ۰/۳۱
سطح معناداری	سطح معناداری	سطح معناداری	سطح معناداری	سطح معناداری	سطح معناداری
۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۴۰	۰/۰۵۰	۰/۰۲۰	۰/۰۲۰
فقرزدایی	تاووبی کندال	تاووبی کندال	تاووبی کندال	تاووبی کندال	تاووبی کندال
۰/۳۰	۰/۱۵	۰/۲۶	۰/۳۷	۰/۲۷	۰/۲۷
معناداری:	معناداری:	معناداری:	معناداری:	معناداری:	معناداری:
۰/۰۰۵	۰/۰۱۶	۰/۰۰۴	۰/۰۳۲	۰/۰۰۵	۰/۰۰۵

برای بررسی رابطه بین این متغیرها از آزمون همبستگی اسپیرمن و ضریب تاووبی کندال استفاده شد. داده‌های جدول ۱ حاکی از آن است که بین فقرزدایی و مهارت آموزی، آموزش عمومی، خوداشتغالی، وام کم بهره و کمک‌های غیرنقدی رابطه معناداری مشاهده می‌شود. در

بین این متغیرها، قوی‌ترین رابطه مربوط به رابطه بین فقرزدایی و وام کم‌بهره است. میزان همبستگی اسپیرمن بین این دو متغیر برابر با ۰/۴۰ و شدت رابطه (تاووی کندال) برابر با ۰/۳۷ است که نشان می‌دهد رابطه نسبتاً قوی بین این دو متغیر مشاهده می‌شود (سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ است). از طرفی، ضعیف‌ترین رابطه مربوط به رابطه بین آموزش عمومی و فقرزدایی است که در آن با وجود معنادار بودن رابطه (sig=۰/۰۵)، میزان همبستگی برابر با ۰/۱۸ و میزان تاووی کندال برابر با ۰/۱۵ است که نشان‌دهنده رابطه ضعیف بین دو متغیر مذکور است. بنابراین، بر این اساس و با توجه به ضرایب همبستگی شده و سطح معناداری حاصل شده بین متغیرهای مستقل پژوهش و فقرزدایی زنان مطلقه و همسرفوت‌شده تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان سلسله رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارتی، هرچه میزان مهارت‌آموزی، آموزش عمومی، طرح‌های خوداشتغالی، وام‌های کم‌بهره و کمک‌های غیرنقدی افزایش یابد، از میزان فقر زنان کاسته می‌شود.

تحلیل‌های رگرسیونی برای تبیین فقرزدایی

با استفاده از تکنیک آماری رگرسیون چندمتغیره گام‌به‌گام روابط مزبور ارزیابی شده است. مهم‌ترین متغیرهای بررسی شده مرتبط با فقرزدایی در این تحقیق بدین قرار است: ۱. آموزش عمومی، ۲. مهارت‌آموزی، ۳. خوداشتغالی، ۴. وام کم‌بهره و ۵. کمک غیرنقدی. به همین منظور، متغیرهای مورد نظر به روش گام‌به‌گام وارد معادله شد، اما نتایج محاسبات رگرسیون نشان می‌دهد که در نهایت ۴ متغیر باقی‌مانده است و بخشی از تغییرات متغیر وابسته، یعنی فقرزدایی را تبیین می‌کنند. همان‌طور که از داده‌های جدول ۲ برمی‌آید، سطح معناداری آزمون‌ها کمتر از ۰/۰۵ بوده که این درجه اطمینان آزمون‌های انجام شده را نشان می‌دهد. طبق داده‌های جدول، این متغیرها ۰/۳۳ با فقرزدایی همبستگی داشته‌اند. همچنین، براساس مقدار ضریب تعیین یا R^2 (مجذور همبستگی)، این متغیرها توانسته‌اند ۰/۱۰۸ درصد تغییرات فقرزدایی را بین زنان مطلقه و همسرفوت‌شده پیش‌بینی کنند که در بین متغیرها، وام کم‌بهره قوی‌ترین پیش‌بینی‌کننده بوده است ($B=۰/۴۲$).

جدول ۲. ضرایب تأثیر مدل تبیین‌کننده متغیر فقرزدایی

متغیر	ضریب غیر استاندارد (B)	ضریب استاندارد (Beta)	T-value (ارزش T)	Sig (معناداری)
وام‌های کم‌بهره	۰/۳۹۳	۰/۴۲۰	۶/۲۰	۰/۰۰
آموزش عمومی	۰/۲۷۵	۰/۳۱۰	۴/۲۶	۰/۰۰
مهارت‌آموزی	۰/۲۲۹	۰/۲۴۶	۰/۳۵۳	۰/۰۱
خوداشتغالی	۰/۲۱۹	۰/۲۳۶	۰/۳۱۵	۰/۰۰۱

Adjusted R Square = ۰/۳۱۱ (ضریب تعیین تعدیل‌شده)، $R=۰/۳۳۰$ (ضریب همبستگی)، $R^2=۰/۱۰۸$ (ضریب تعیین)

مدل اندازه گیری پژوهش

برای بررسی اعتبار ابزار سنجش از طریق تحلیل عملی تأییدی در ابتدا نرمال بودن داده‌های جمع‌آوری شده از سوی هر گویه- که به وسیله دو شاخص کشیدگی و چولگی در نرم‌افزار آموس سنجیده می‌شود- تأیید شد. این مقادیر باید برای کشیدگی بین $7 \pm$ و برای چولگی بین $3 \pm$ باشند. سپس، در گام بعدی، اعتبار سازه مدل بررسی شد که برای سنجش آن از اعتبار همگرایی و اعتبار افتراقی استفاده شد.

جدول ۳. نتایج تحلیل عاملی تأییدی برای گویه‌های پرسش‌نامه

روایی مرکب	نتیجه	سطح معناداری	بارعاملی	چولگی	کشیدگی	گویه‌ها	سازه
۰٫۸۹۱	معنادار	۰٫۰۰۱	۰٫۷۶۸	-۰٫۵۹۸	-۰٫۵۴۷	M1	مهارت‌آموزی
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۷۵۶	-۰٫۵۸۳	-۰٫۴۹۹	M2	
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۶۲۰	-۰٫۵۶۲	-۰٫۱۳۳	M3	
۰٫۷۵۳	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۹۰۳	-۰٫۷۴۳	-۰٫۵۵۴	K1	خوداشتغالی
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۸۷۸	-۰٫۸۴۰	-۰٫۱۱۲	K2	
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۷۷۵	-۰٫۷۸۵	-۰٫۲۰۴	K3	
۰٫۸۳۱	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۴۸۹	-۰٫۵۱۰	۰٫۱۹۸	V1	وام کم‌بهره
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۷۱۲	-۰٫۸۴۸	۱٫۲۵	V2	
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۴۶۱	-۰٫۱۷۲	-۰٫۲۵۶	V3	
	معنادار	۰٫۰۰۲	۰٫۶۱۰	-۰٫۳۸۷	-۰٫۲۶۴	V4	
۰٫۸۱۰	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۸۷۱	-۱٫۱۶	۱٫۲۵۳	N1	کمک غیرنقدی
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۸۱۶	-۱٫۰۲۰	۱٫۰۵۲	N2	
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۵۱۸	-۱٫۳۱	۰٫۰۹۸	N3	
۰٫۷۵۰	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۵۹۹	-۱٫۳۲۰	-۰٫۱۶۵	A1	آموزش عمومی
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۶۶۹	-۰٫۷۱۱	۰٫۵۰۲	A2	
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۷۷۳	-۰٫۷۴۸	۰٫۶۹۸	A3	
۰٫۷۶۵	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۶۶۲	-۰٫۸۳۸	۰٫۲۶۸	F1	فقر
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۵۳۱	-۰٫۶۳۳	۱٫۴۸۰	F2	
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۵۲۸	-۰٫۷۳۱	۱٫۳۱۲	F3	
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۵۹۹	-۰٫۱۸۰	-۰٫۳۲۰	F4	
	معنادار	۰٫۰۰۰	۰٫۳۷۸	-۰٫۸۹۹	۱٫۷۹۸	F5	
	معنادار	۰٫۰۰۱	۰٫۳۱۰	-۰٫۰۹۸	-۰٫۳۴۰	F6	
	عدم معناداری	۰٫۰۶۵	۰٫۱۴۲	***	***	F7	
	معنادار	۰٫۰۰۱	۰٫۵۶۸	-۰٫۸۸۹	۱٫۸۷۰	F8	

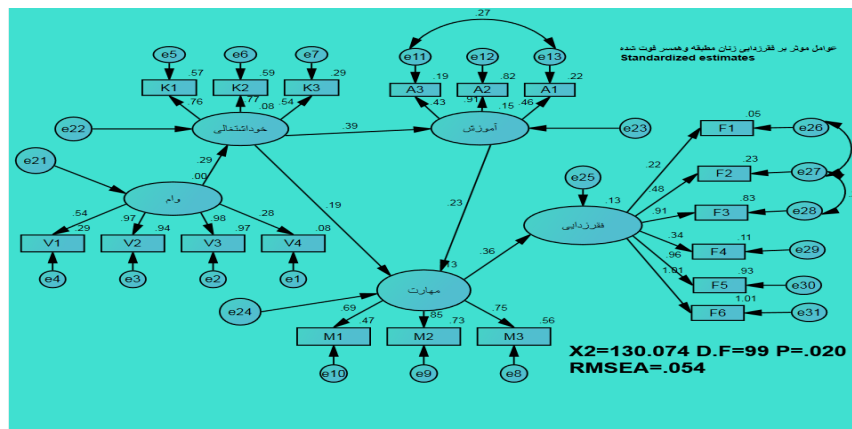
$\chi^2 = 318.643$, $df = 223$, $Pvalue = 0.000$, $CMIN/DF = 1.416$, $RMR = 0.041$, $GFI = 0.863$,

$CFI = 0.894$, $IFI = 0.898$, $TLI = 0.901$, $RMSEA = 0.054$

در اعتبار همگرایی، هریک از بارهای عاملی باید بزرگ‌تر یا مساوی ۰/۰۵ باشند و در اعتبار افتراقی، به منظور بررسی ناهم‌پوشانی بین سازه‌های پرسش‌نامه در ارتباط با گویه‌های مورد سنجش آن، همبستگی بین هر دو سازه نباید بیشتر از ۰/۹ باشد. در نهایت، به بررسی برازش مدل براساس شاخص‌های مربوطه پرداخته می‌شود. جدول ۳ تحلیل عاملی گویه‌های پرسش‌نامه تحقیق را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج جدول ۳، میزان کشیدگی همه گویه‌ها بین عدد ± 7 و میزان چولگی آن‌ها نیز بین عدد ± 3 است. بنابراین، داده‌های جمع‌آوری شده نرمال‌اند. با توجه به مدل Cfa برازش‌یافته و با در نظر گرفتن اینکه بار عاملی گویه f7 کمتر از ۰/۰۵ به دست آمد، از تحلیل کنار گذاشته شد. اما سایر گویه‌ها که بارهای عاملی آن‌ها کمتر از ۰/۰۵ است به دلیل حد مطلوب بودن روایی مرکب آن‌ها، که باید بیشتر از ۰/۶ باشد، در مدل اندازه‌گیری تحقیق باقی ماندند. بنابراین، با توجه به این یافته‌ها، اعتبار همگرایی ابزار سنجش تأیید می‌شود.

مدل تحقیق

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق همچنین از مدلیابی معادلات ساختاری در نرم‌افزار آموس استفاده شد. در این مدل، هریک از متغیرهای مستقل، به‌استثنای متغیر کمک‌های غیرنقدی، در نظر گرفته شد.



شکل ۱. مدل معادله ساختاری تحقیق

شاخص Root Mean Square Error of Approximation یا RMSEA یکی از شاخص‌های اصلی نیکویی برازش در مدلیابی معادلات ساختاری است. ریشه میانگین مربعات خطاهای تخمین یا همان RSMEA در بیشتر تحلیل‌های عاملی تأییدی و مدل‌های معادلات ساختاری

استفاده می‌شود. براساس دیدگاه مک‌کالوم (۲۰۰۰)، براون (۲۰۰۳) و چریبرا (۲۰۰۶) اگر مقدار این شاخص کوچک‌تر از ۰/۰۱ باشد، برازندگی مدل بسیار عالی است. اگر بین ۰/۰۱ و ۰/۰۵ باشد، برازندگی مدل خوب است. اگر بین ۰/۰۵ و ۰/۰۸ باشد، برازندگی مدل متوسط است. اما بیشتر پژوهش‌گران [۳۴؛ ۴۳؛ ۴۴] از این قاعده استفاده می‌کنند که اگر شاخص RMSEA کوچک‌تر از ۰/۰۱ باشد، برازندگی مدل خوب است و اگر بزرگ‌تر از این مقدار باشد، مدل ضعیف طراحی شده است. کلاین (۲۰۱۰) معتقد است این شاخص باید کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد. با توجه به امکان ایجاد مدل‌های اشباع می‌توان گفت اگر این شاخص کوچک‌تر از ۰/۰۵ باشد، مطلوب است. بنابراین، در این مدل با توجه به مقدار شاخص RSMEA یعنی ۰/۰۵ و نیز نسبت خی‌دو به درجه آزادی، که باید کمتر از ۳ باشد، مدل برازندگی خوبی دارد. از این‌رو، می‌توان مدل فوق را مدل مناسبی دانست.

نتیجه‌گیری

مدل‌یابی معادله ساختاری یک تکنیک تحلیل چندمتغیری بسیار کلی و نیرومند از خانواده رگرسیون چندمتغیری و به بیان دقیق‌تر بسط مدل خطی کلی است که به پژوهش‌گر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به صورت هم‌زمان بیازماید. این روش محقق را به پیچیدگی‌های زندگی اجتماعی (تأثیرگذاری مجموعه‌ای از متغیرها بر یکدیگر به طور یک‌سویه و دوسویه، مستقیم و غیرمستقیم) و همچنین پیچیدگی‌های موجود در اندازه‌گیری‌های سازه‌های پنهان فرهنگی و اجتماعی نزدیک می‌کند. در این تحقیق، به بررسی مهم‌ترین عمل‌کردهای کمیته امداد امام خمینی (ره) شهرستان سلسله در فقرزدایی زنان مطلقه و همسرفوت‌شده پرداخته شد. همان‌گونه که در مدل نهایی آموس ملاحظه شد، از متغیرهای مستقل مطالعه‌شده، ۴ متغیر آموزش عمومی، مهارت‌آموزی، وام کم‌بهره و طرح‌های خوداشتغالی به شکل مستقیم و غیرمستقیم بر میزان فقرزدایی تأثیرگذارند. به بیان دیگر، هرچه میزان آموزش عمومی، مهارت‌آموزی، وام کم‌بهره و طرح‌های خوداشتغالی کمیته امداد بیشتر باشد، میزان فقر آن‌ها کمتر می‌شود. در ارتباط با متغیرهای مستقل، با توجه به مدل نهایی آموس، می‌توان گفت که وام‌های کم‌بهره باعث افزایش طرح‌های خوداشتغالی در زنان می‌شود. طرح‌های خوداشتغالی از طرفی به آموزش عمومی منجر می‌شود و از طرف دیگر شرایط مهارت‌آموزی زنان مطلقه و همسرفوت‌شده را فراهم می‌کند که در نهایت افزایش مهارت‌آموزی بر کاهش فقر زنان تأثیرگذار است.

در مجموع، باید گفت که حل مسئله فقر اقدامی پیچیده، چندبعدی و مستلزم انجام‌دادن اقدامات گسترده در بخش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. به این دلیل، آینده‌نگری باید راهنمای سیاست‌های امروزی رفاهی و فقرزدایی باشد. علاوه بر این، باید به زنان

مطلقه و همسرفوت شده به عنوان افرادی فعال نگریسته شود که باید در فرایند فقرزدایی شرکت داده شوند، نه به منزله موجودات غیرفعالی که فقط باید منتظر کمک‌های نقدی و غیرنقدی دولت باشند. بنابراین، طبق یافته‌های تحقیق، با در دسترس قرار دادن امکاناتی همچون وام‌های کم‌بهره و طرح‌های خوداشتغالی و نیز فراهم کردن شرایط آموزش این زنان، در فقرزدایی به این زنان کمک بزرگی شده است. آموزش و ظرفیت‌سازی از ابزارهای زیربنایی فرایند توانمندسازی هستند. فقرا و زیان‌دیدگان به وسیله آموزش با مفهوم افزایش بهره‌وری و توان کسب درآمد آشنا می‌شوند. آموزش و تربیت می‌تواند قدرت چانه‌زنی فقرا را افزایش دهد، آگاهی و اعتماد به نفس آن‌ها را پرورش دهد، آگاهی از قوانین و حقوق اجتماعی را ارتقاء دهد و دسترسی و استفاده از منابع اقتصادی مانند مشاغل، زمین، اعتبار و اطلاعات را بهبود بخشد [۴۰].

بیشتر زنان مطلقه و همسرفوت شده از نظر جایگاه فرهنگی و سطح تحصیلات در موقعیتی نیستند که بتوانند در جهان امروز با همه مسائل و معضلات اجتماعی، مسئولیت تربیت و پرورش جسمی و روحی فرزندان‌شان را به‌طور مطلوب عهده‌دار شوند. با توجه به اینکه اغلب این خانواده‌ها از نظر مالی در وضعیت خوبی نیستند و به دلیل کاهش هزینه مسکن در مناطقی سکونت می‌کنند که از نظر فرهنگی موقعیت خوبی ندارند و محیط مناسبی برای زندگی نیست، در نتیجه این‌گونه خانواده‌ها دچار مشکلات فرهنگی خاصی می‌شوند [۲۳] و این امر لزوم وجود آموزش مهارت‌های زندگی را در آن‌ها بیشتر می‌نمایاند. دسترسی به اعتبار (وام، اشتغال، طرح‌های درآمدزایی) باعث ایجاد تغییرات مهمی در زندگی این زنان و خانواده‌هایشان می‌شود. از جمله این تغییرات افزایش استاندارد زندگی خود و خانواده و نیز سرمایه‌گذاری بیشتر بر سلامت خود و تحصیلات فرزندان‌شان است. لانگه پایین‌ترین سطح توانمندسازی را دریافت منابع ضروری توسط زنان برای اطمینان از رفاه و بالاترین سطح توانمندسازی را کنترل منابع در تمام حوزه‌های اجتماعی یا اقتصادی می‌داند [۲۲، ص ۳۲].

منابع

- [۱] از کیا، مصطفی (۱۳۸۱). *جامعه‌شناسی توسعه*، تهران: کلمه.
- [۲] افشاری‌منفرد، ژاله (۱۳۷۹). «بررسی آثار روان‌شناختی طلاق و ازهم‌گسیختگی خانواده بر روی گروهی از نوجوانان شهر تهران»، خلاصه مقالات نخستین همایش سراسری علل و پیامدهای طلاق اصفهان، سازمان بهزیستی استان اصفهان.
- [۳] آرائی، س. م. م. (۱۳۸۴). «آسیب‌شناسی برنامه‌های فقرزدایی در ایران»، فصل‌نامه *رفاه اجتماعی*، دوره ۵، ش ۱۸.
- [۴] بختیاری، آمنه؛ محبی، فاطمه (۱۳۸۵). «حکومت و زنان سرپرست خانوار»، فصل‌نامه *شورای فرهنگی اجتماعی زنان*، ش ۲۴.
- [۵] تاتینا بلداجی، ام لیلیا؛ فروزان، آمنه؛ رفیعی، حسن (۱۳۸۹). «کیفیت زندگی زنان سرپرست خانواده

- تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور و زنان شاغل خدماتی»، فصل‌نامه علمی و پژوهشی رفاه اجتماعی، س ۱۱، ش ۴۰.
- [۶] حسینی، سید احمد؛ فروزان، ستاره؛ امیرفریاد، معصومه (۱۳۸۸). «بررسی سلامت روان زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی شهر تهران»، فصل‌نامه پژوهش اجتماعی، س ۲، ش ۳، ص ۱۳۷.
- [۷] حفاریان، لیلا (۱۳۸۶). «مقایسه عزت نفس، شادمانی، کیفیت زندگی و امید به زندگی زنان مطلقه و غیرمطلقه شیراز»، پایان‌نامه ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خوراسگان.
- [۸] راغفر، حسین؛ ابراهیمی، زهرا (۱۳۸۶). «فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۳»، مجله رفاه اجتماعی، ش ۲۴.
- [۹] راغفر، حسین؛ صانعی (۱۳۸۹). «اندازه‌گیری آسیب‌پذیری خانوارها در مقابل فقر در شهر تهران: یک روش شناسایی خانوارهای محروم»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، س ۱۰، ص ۳۸۹-۴۲۷، ش ۳۸.
- [۱۰] راغفر، حسین (۱۳۸۶). «فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۶۸-۱۳۸۳»، فصل‌نامه نگاه اجتماعی، س ۶، ش ۲۴.
- [۱۱] رستمی تبریزی، لمیاء (۱۳۸۸). حمایت قانونی از زنان سرپرست خانوار (مطالعه موردی انگلستان، و امریکا)، دومین همایش توانمندسازی زنان و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، تهران.
- [۱۲] رفیعیان، م؛ شاهین‌راد، م (۱۳۸۷). «راهبرد توسعه شهر در جهت تحقق برنامه‌ریزی توسعه شهری (با تأکید بر برنامه راهبردی شهر کرمان)»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، س ۶، ش ۴، ص ۲۹.
- [۱۳] سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۸۸). «تبیین علل و زمینه‌های خشونت خانگی»، دوفصل‌نامه علمی تخصصی مطالعات اسلام و روان‌شناختی، س ۳، ش ۴، ص ۴۱.
- [۱۴] شادی‌طلب، ژاله (۱۳۸۱). توسعه و چالش‌های زنان ایران، تهران، قطره.
- [۱۵] شادی‌طلب، ژاله؛ گرائی‌نژاد، علیرضا (۱۳۸۳). «فقر زنان سرپرست خانوار»، فصل‌نامه پژوهش زنان، دوره ۲، ش اول، بهار.
- [۱۶] شادی‌طلب، ژاله و دیگران (۱۳۸۴). «فقر درآمدی فقط یک جنبه از فقر زنان سرپرست خانوار»، فصل‌نامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۴.
- [۱۷] صادقی، فسایی، سهیلا؛ ایثاری، مریم (۱۳۹۱). «تحلیل جنسیتی از زندگی پس از طلاق: مطالعه کیفی»، زن در توسعه و سیاست، پژوهش زنان، دوره ۱۰، ش ۳، پیاپی ۳۸.
- [۱۸] عظیمی، میکائیل (۱۳۸۷). کاهش فقر از طریق بنگاه‌های کوچک، کار و جامعه، ش ۱۰۰، مهر.
- [۱۹] قانعی‌راد، محمدمین (۱۳۸۴). «رویکرد توسعه اجتماعی به برنامه‌های فقرزدایی در ایران»، فصل‌نامه رفاه اجتماعی، ش ۱۸، پاییز ۱۳۸۴.
- [۲۰] کاظمی‌پور، شهلا (۱۳۸۸). «تحلیلی بر فرصت‌های اشتغال زنان سرپرست خانوار»، دومین همایش توانمندی زنان و توان‌افزایی زنان سرپرست خانوار، تهران.
- [۲۱] کوزر، لوئیس (۱۳۸۴). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- [۲۲] لانگه، سارا (۱۳۷۲). معیارهایی برای تواناسازی زنان، نقش زنان در توسعه، تهران: روشنگران.
- [۲۳] محمدی، زهرا (۱۳۸۵). زنان سرپرست خانوار، تهران، روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

- [۲۴] محمودی، وحید (۱۳۸۶). اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران، تهران: سمت.
- [۲۵] محمودیان، نوشاد (۱۳۸۲). «بررسی مقایسه‌ی میزان پرخاش‌گری کودکان و رابطه‌ی آن با وضعیت طلاق والدین»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی روان‌شناسی عمومی، دانشگاه اصفهان.
- [۲۶] مدنی، سعید (۱۳۷۹). «آسیب‌ها، انحرافات اجتماعی و فقر در ایران»، مجموعه مقالات فقر در ایران، تهران: انتشارات علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- [۲۷] مطیع، ناهید (۱۳۸۵). «فرصت‌های کودکان در خانواده‌های زن سرپرست»، یونیسف، مجله‌ی زنان، ش ۵۳ و ۵۴.
- [۲۸] ملک‌محمودی الیگودرزی، امیر (۱۳۸۹). پس از طلاق، اصفهان: انتشارات شهید حسین فهمیده.
- [۲۹] نجاتی آجی‌بیشه، مصطفی (۱۳۸۷). «تصورپردازی فوق‌فعال از آینده براساس سند ملی توسعه‌ی امور جوانان (مورد مطالعه: فقر شهری)»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد دانشکده‌ی مدیریت دانشگاه تهران، (منتشر نشده).
- [۳۰] هنریان، مسعوده؛ یونسی، سید جلال (۱۳۹۰). بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده، تهران: مطالعات روان‌شناسی بالینی.
- [31] Adjasi, Charles K.D. & Osei, Kofi A. (2007). "poverty profile and correlates of poverty in Ghana", International journal of economics, vol. 34, no. 7, pp 449-471.
- [32] Bastos, A. et al. (2009). women and poverty: a gender-sensitive approach, *Journal of Socio- economics* 38, pp 764-778.
- [33] Bowman, Sh. (2007). Low economic status is associated with suboptimal intakes of nutritious foods by adults in the national health and Nutrition examination survey 1999-2002. *Nutrition Research*. 27(9): pp 515-523.
- [34] Brown, T.A., Confirmatory factor analysis of the Penn State Worry Questionnaire: Multiple factors or method effects? *Behaviour Research and Therapy*, 2003. 41: pp 411-426.
- [35] Bullock, S., (1994), "Woman and Work", London: Zed.
- [36] Buvinic, Mayra. (1995). Investing in women, Washington Dc, international center for research on women.
- [37] Curtis, Donald, (2006). "mind sets and methods: poverty strategies and the awkward potential of the enabling state", international journal of the public sector management, vol. 19, no. 2, pp 150-164.
- [38] Dunning, H. & Janzen, B. & Williams, A. & Abonyi, S. & Jeffery, B. & Rondall, E.J. & Holden, B. & Labonte, R. & Muhajarine, N. & Klein, G. & Carr, T. (2006). A gender analysis of quality of life in Saskatoon, Saskatchewan. *Geo Journal*. 65(4): pp 393-407.
- [39] Ebrahim, G.J. (2008). "Poverty and the Millennium Development Goals", Editorial: *Journal of Tropical Pediatrics* Vol. 54, No. 1.
- [40] Gergis, A. 1999. " Citizen Economic Empowerment In Botswana Concepts And pprinciple "BIDPA Working Paper No. 22.
- [41] Kline, R.B., Principles and Practice of Structural Equation Modeling. 3rd ed. 2011, New York: The Guilford Press.

- [42] Lorenz, O.F. & Wickrama, S., K A. & Conger, D.R. & Elder, H.G. (2006). The short-term and decade-long effects of divorce on womens midlifehealth. *Journal of Health and social Behaviar [NLM-MEDLINE]*.47(2):111.
- [43] MacCallum, R.C., J.T. Austin, Applications of structural equation modeling in psychological research. *Annual Review of Psychology*, 2000. 51: pp 201-226.
- [44] Schreiber, J.B., Reporting Structural Equation Modeling and Confirmatory Factor Analysis Results: A Review. *The Journal of Educational Research*, 2006. 99.
- [45] Ullah, A. K. M. A. and J. K. Routray (2007). "Rural poverty alleviation through NGO interventions in Bangladesh: how far is the achievement?", *International Journal of Social Economics*, Vol. 34 No. 4, , pp 237-248.
- [46] Wickrama, S.K.A. & Lorenz, O.F. & Conger, D.R. & Elder, H.G. & Abraham, T.W. & Fang, A.Sh. (2006). Changes in family financial circumstance and the physical health of married and recently divorced mothers. *Social Science & Medicine*.63(1): pp 123-136.